

کارگران و زحمتکشان:

یازدهم اردیبهشت ماه امسال مصادف با روز اول ماه مه و جشن بین‌المللی کارگران است. اول ماه مه مظهر مبارزه برای زندگی بهتر و همبستگی جهانی کارگران است.

در چنین روزی در سال ۱۸۸۶ میلادی کارگران شهر شیکاگو با شرایط غیر انسانی و نامناسب کار و بخاطر کسب حقوق خویش دست به تظاهرات عظیمی زدند اما بر اثر دسیسه‌های کارفرمایان صفوف کارگران از هم پاشیده شد و گروهی فراوان کشته و عده‌ای زندانی و رهبران کارگران پس از محاکمه اعدام گردیدند. سال بعد خیانت کارفرمایان افشا و چهره‌های آنان نمایان و معرفی گردید و موجی از خشم و تنفر و ناراحتی در جهان برانگیخت. سه سال بعد از آن واقعه کنگره بین‌المللی کارگران در شهر پاریس در روز اول ماه مه ۱۸۸۹ تشکیل شد. در این روز که مصادف با برگزاری یکصدمین سال انقلاب کبیر فرانسه و افشاء خیانت کارفرمایان شهر شیکاگو بود تصمیم گرفته شد آنرا همه ساله جشن بگیرند و برای اعلام خواسته‌های صنفی و دیگر مطالبات اجتماعی تظاهر کنند و نیروهای خود را بسیج نمایند. از آن تاریخ به بعد کارگران هر کشور بسته به موقعیت و امکانات خود این روز را جشن می‌گیرند. در بعضی ممالک این روز رسماً عید عمومی تلقی می‌گردد و در برخی فقط مختص کارگران است.

و اما ایران... گرچه ایران طبق مقوله نامه‌های کنفرانس کار ژنو نمی‌تواند این روز را نادیده بگیرد ولی عملاً کارگر ایرانی نمی‌تواند چنین جشنی را برگزار کند. زیرا آنجا که استبداد و محرومیت و اختناق هست جای شادمانی نیست. کارگر ایرانی باید مبارزه کند و هنوز فداکاری زیاد لازم است تا این وضع آشفته و اسف بار سامانی بگیرد. در مملکتی که هیأت حاکمه‌اش با دروغ می‌خواهد همه مردم و بویژه دو قشر مولد (کارگر و دهقان) را افسون کند چه جای نشاط است؟ در آنجا که مزد متوسط روزانه کارگران معدن ۶۰ ریال است و وزارت صنایع و معادن با آنهمه زرق و برقش جرأت اعلام مزد متوسط ۲۲۰۰۰ هزار کارگر کوره پز خانه را از فرط ناچیزی ندارد - در آنجا که دولتش از وجود هزاران زن کارگر که در انبارهای تاریک و نمناک خراسان و آذربایجان جان می‌دهند و کرک پاک می‌کنند خبر ندارد - و بالاخره در مملکتی که در یکی از شهرهای بزرگ و پرجمعیتش فقط یک زن کارگر بیمه وجود دارد و در منطقه نفت خیزش کارشناسان بیگانه زندگی افسانه‌ای دارند و کارگران ایران در حصیرآباد آبادان خون دل می‌خورند - آیا هیچ ایرانی می‌تواند شاد باشد و آرام گیرد؟

کارگر ایرانی نمی‌تواند ساکت بنشیند و به گفته‌های بی‌اساس وزیر کار که در پشت تریبون مجلس می‌گوید «اعتصاب در هیچ جای دنیا برای کارگران قانونی نیست» گوش کند. اصولاً کارگر ایرانی فاقد پناهگاه است و از هرگونه حق تجمع و داشتن سندیکای سالم و اصیل برای تامین بهبود - و ادامه زندگی محروم است. و حتی سندیکاهای ساختگی را نیز لانه سازمان امنیت کرده‌اند. وزارت کار که می‌تواند و باید بهترین حافظ حقوق کارگران باشد در ایران عامل اجرای مقاصد استعمارگران داخلی و خارجی است. همین وزارت کار کارگران شریف و مسلمان ما را بجرم اعتراض به غصب حقوق خود با اتهامات ناروا به زندان می‌فرستد و آینده آنها و خانواده شان را تار می‌سازد. بقول حضرت آیت‌الله خمینی «در این مملکت هزاران نفر (از همین طبقه) در همدان و سایر شهرستانها از سرما می‌میرند. آیا چه اقدامی برای جلوگیری از این همه تلفات شده است».

تبلیغات و مقاله خوانی در رادیو که برای کارگر نان نمی‌شود - فرهنگ و بهداشت نمی‌شود. اکنون که پیش از یکسال از تاریخ تصویبنامه سهیم شدن کارگر در سود ویژه کارخانه می‌گذرد چه قدم مؤثری در راه بهبود وضع زندگی کارگر ایرانی برداشته شده است؟ و چه تحولی صورت گرفته است؟ مگر با حقایق عالم و واقعیات زندگی یک اجتماع می‌شود بازی کرد؟

در این کشور یک سرمایه دار وابسته بخارج سالی تنها ۱۵ میلیون سود از یک امتیازش می‌برد و ارز کشور را خارج می‌کند و با داشتن چندین امتیاز دیگر از این قبیل چه برای کارگران می‌ماند؟ کارگر با کارفرمایی که برای حفظ نفع خود و مصون ماندن از هر نوع تعرضی تعدادی از سهام کارخانه را افتخارا به دربار و می‌گذارد چه می‌تواند بکند؟ با اینحال مسئله کارگر یکی از مسایل جامعه کنونی ما است. آنچه مهم است اصولا وضع مزدوری در ایران است. مزدور بمعنای اعم. در ایران همه جا سخن از بدبختی است - در اداره و بازار و کارخانه و... تعداد سرسام آور بیکاران و شیوع روز افزون بیکاری مخفی حتی از مسئله کارگر و بدبختیهای او هم مهمتر است.

رواج دلال بازی برای مبارزه با اینهمه نابسامانی و نجات اقتصاد ورشکسته ایران کاری از پیش نمی‌رود.

آنجا که وارداتش از نظر حجم و قیمت ۶ برابر صادراتش هست حاصلی جز فقر و بیکاری ندارد.

برای از بین بردن عوامل بدبختی ایران باید جنبشی بشود - جنبشی عظیم و قاطع و خوشحالییم که چنین تحرکی در جامعه ما در زمینه‌های مختلف بوجود آمده است. هشیاری و فداکاری مراجع عالیقدر روحانی و مردم مسلمان ایران به پیروی از تعلیمات حیاتبخش اسلامی ضامن پیروزی این جنبش است. کارگران مسلمان ایران در پیشبرد این نهضت مقدس سهم بسزا دارند.

پیروزی کارگران ایران را در همگامی با ملت قهرمان ایران در مبارزه علیه ظلم، و استبداد خواستاریم و امیدواریم که با تشکل همه جانبه و هشیاری بیشتر و مجهز شدن به سلاح تشکیلات روزبروز به هدف نزدیکتر شویم.

دروود فراوان به مراجع عالیقدر و مجاهد حضرت آیات الله خمینی و میلانی و شریعتمداری.

دروود فراوان به مظهر مبارزات ضد استعماری شرق جناب آقای دکتر محمد مصدق.

سلام گرم به سران دلیر و فداکار نهضت آزادی ایران حضرت آیت‌الله طالقانی و آقایان مهندس بازرگان و دکتر

سحابی استادان دانشگاه و دیگر رزمندگان که اکنون در دادگاه تجدید نظر محاکمه می‌شوند.

سازمان کارگری نهضت آزادی ایران